



۲۰۱۹/۰۹/۳۰



محمد داؤد مومند

میوندوال یک علامه بود



نگارش مطالبی، در مورد شخصیت علمی، سیاسی، اجتماعی و ادبی محمد هاشم میوندوال، کار دانشمندان و اهل علم و قلم است، چنانکه گفته اند: راز دان بزرگان بزرگانند.



علیحضرت محمد ظاهر شاه با شهید محمد هاشم میوندوال صدراعظم افغانستان از دستگاه های تفحصات پترول افغانستان دیدن می کنند
شهید ملت میوندوال یک شخصیت چند بعدی بود که اهل مطبوعات و صاحبان دانش و بصیرت می
توانند در توضیح ابعاد مختلف شخصیت، این فرزند، فرزانه و برومند تاریخ کشور، کتب، رقم کنند.

محمد هاشم میوندوال در حقیقت یگانه شخصیت ذوالفنون بود، که در هر بُعد شخصیت، فضیلت و علم و دانش خود، ذیفن شمرده می شد، با در نظر داشت همین ودیعت خداوندی و استعداد بی نظیر جبلی، برخلاف آنچه غزالی در مورد خود میگفت که:

« بر هر ذوالفنونی غالب آدمم و هر ذیفنی بر من غالب آمد»

شهید میوندوال با وجودی که یک شخصیت ذوالفنون بود، در تمام ابعاد فنون خود از چنان مهارت و وارستگی و شایستگی منحصر به فرد، برخوردار بود، که برخلاف غزالی، هر ذیفنی را نیز مانند هر ذوالفنونی، مقهور، مسکوت و محکوم به شکست می ساخت.

زمانیکه علامه "صلاح الدین سلجوقی"، برای اولین بار محمد هاشم میوندوال را به سردار محمد نعیم خان وزیر خارجه معرفی می نمود گفت:

سردار صاحب امروز من یک سید جمال الدین ثانی را به شما معرفی میکنم.

سبحان الله و بحمده، چه افتخار بس بزرگ که یک فیلسوف و علامه کشور به سویه صلاح الدین سلجوقی، دانشمند و مفکر برومند دیگری را به حیث یک علامه و آنهم علامه سید جمال الدین ثانی به یک رجل سیاسی کشور معرفی می نماید.

شخصیتی که از یک خانواده فقیر و تهی دست روستایی به نیروی قدرت و نیروی ذکاوت سرشار، خدا داد خود، و متکی بر نبوغ و عبقریت جبلی و عطشان علم و معرفت و فضیلت و دانش، خود را به بلند ترین مدارج معنوی و رتب کشوری رساند.

هاشم میوندوال نه تنها در ساحات فنون معرفت و اعجاز فضیلت، یکی از ستارگان مشعشع و درخشان آسمان، در مشرق زمین بود، بلکه موصوف در ساحة تقوی و پاکی و پاکدامنی و علو نفس، تزکیه روان و روح، راستکاری و نیکو سرشتی، از سطح به عمق و از عمق به سطح انسان آزاده، افغان روشن ضمیر، راستگو، راستکار، حق بین و حق پرست و مسلمان واقعی و بادیانت و دیانت شعار بود.

میوندوال به دوستی، راستکاری، برادری و برابری اعتقاد داشت، وی از ظلم، از جهل، از منافقت، از فتنه و فساد، از خود خواهی و خود پسندی، از آزار و فریب مردم، از دروغ از فتنه و فساد، از دو رویی، از کبر، از غرور سرداری، از نخوت، از کینه، از حسد، از بخل، از عداوت، از قساوت و بیرحمی و از بی عدالتی و انحصار قدرت نفرت داشت.

در نظر میوندوال مسلمان راستین کسی بوده می تواند که روح و دماغش به پیام انسانی خداوندی، و
جانش به عدالت خواهی پیامبر خدا، چنگ زند.

لکه ونه مستقیم په خپل مکان وه
که خزان ورباندی راغی که بهار
په درناوی



میوندوال یک علامه بود
D_momand_maiwandwaal_yak_alaama_bood.pdf